۱۶ مرکز رفاهی و درمانی وزارت آموزش و پرورش افتتاح شد

۱۶ مرکز رفاهی و درمانی وزارت آموزش و پرورش به صورت ویدئوکنفرانس با حضور وزیر آموزش و پرورش همزمان در ۱۳ استان افتتاح شد. به گزارش مهر، افتتاح مرکز اسکان بیماران صعب العلاج تبریز در استان آذربایجان شرقی، مرکز آموزشی،رفاهی نقده در استان آذربایجان غربی، ۲ مرکز آموزشی، رفاهی روئین و نادرآباد در استان خراسان شمالی، مرکز آموزشی و رفاهی شاهرود در استان سمنان، ۳ مراکز رفاهی چابهارو زاهدان و مرکز درمانی زاهدان در استان سیستان و بلوچستان، مرکز دندانپزشکی توحید تهران در شهر تهران، مرکز آموزشی، رفاهی ممسنی در استان فارس، مرکز درمانی قزوین در استان قزوین، مرکز آموزشی، رفاهی قم در استان قم، مرکز اسکان بیماران صعب العلاج کرمان در استان کرمان، مرکز اسکان بیماران صعب االعلاج کرمانشاه در استان کرمانشاه، مرکز آموزشی، رفاهی کلاردشت در استان مازندران و مرکز آموزشی، رفاهی قشم در استان هرمزگان از جمله این موارد بوده است.

مسیر شکایت دانش آموزان چیست؟

واکنش هایی به یک شکایت دانش آموزی

گروه درنگ-زهرا داستانی: واپسین ماه های سال تحصیلی ۹۴-۹۵ یکی از چالش بر انگیزترین ایام برای وزارتخانه آموزش و پرورش در طول عمر سه ساله این وزارت خانه محسوب می شود. چالش هایی از جنس جان باختن معلم خاشی زیر لگدهای آوار تا کبودی‌های روی تن دانش آموزان زیر کتک های آموزگاران. در پشت ماجرای تنبیه بدنی دانش آموزان که این روزها چون پتکی بر سر آموزش و پرورش کوبیده می شود، اتفاقات دیگری نیز پنهان است. اتفاقاتی که پس از شکسته شدن قبح تنبیه بدنی سایه به سایه به دنبال دانش آموزان می‌آید. از تحقیر تا تهدید به اخراج.

تنبیه بندی یا پرخاش‌های آموزگاران در مدارس کشور داستان دیروز و امروز نیست. هر کدام از ما دل پر دردی از آن داریم و اگر روزگار پا دهد می‌توانیم از خاطرات تلخ مدرسه و پشت در ایستادن‌هایمان کتاب‌ها و سناریوهایی بلند بالا تر از قصه های مجید بنویسم. با این حال در آن زمان کمتر کسی پیدا می شد تا از پرخاش معلم شکایت کند یا سخنی از به میان آورد، دلیل هر چه بود شاید به جسارت دانش آموزان باز گردد. حالا اما دانش آموزان امروزی رویه دیگری را در پیش گرفته اند و جسارتی که مادران و پدرانشان نداشته اند را به رخ معلمان می کشند.

از تحقیر دانش آموزش در مدرسه تا تهدید به اخراج

معضل شکایت‌های پیاپی از معلمان، امروز در حالی بر پیکر آموزش و پرورش سیلی می کوبد که این وزارتخانه در جهت بهبود حال و روز نظام آموزشی در کشور تلاش می کند. خبرهای منتشر شده در فاصله اول مهر۱۳۹۴ تا ۲۳اردیبهشت ماه امسال نشان می‌دهد که پای ۸ مورد تنبیه بدنی در مدارس به رسانه ها باز شده است. البته این ۸ مورد تنها بخشی از مواردی است که به واسطه تصاویر ویدئویی و ارسال آن در فضای مجازی اهمیت یافته است و سبب شکایت والدین از معلمان خاطی و واکنش افکارعمومی در این رابطه شده است. موضوعی که سبب شده تا برخی والدین را متهم به اهانت به معلمان و هتک حرمت حرفه مقدس معلمی کند. با وجود این آنچه که در انتهای این ماجرا باقی می ماند و شاید کسی به آن توجه نکند سایه سنگین شکایتی است که بر زندگی کودک و خانواده اش تا مدت ها باقی می ماند. از تحقیر کودک در مدرسه تا تهدید به اخراج.

ماجرا از آنجا آغاز شد که در روز ۸ اردیبهشت سال جاری خبری در رسانه مبنی بر تنبیه بدنی یک دانش آموز در یکی از مدارس منطقه ۵ تهران در رسانه ها منتشر شد. به گزارش ایرنا، این مدرسه البته در ۲۹ مهر ماه سال ۹۲ نیز خبرساز شد. در آن روز یکی از آموزگاران پایه پنجم این دبستان با ۲۲ سال سابقه، یکی از دانش آموزان را به علت انجام ندادن تکلیف و ناتوانی در پاسخگویی درس، هدف ضرب و شتم و تنبیه بدنی قرار داد، به طوری که بینی دانش آموز دچار خونریزی شد. اما ماجرای سال ۹۵ برای این مدرسه از آنجا آغاز شد که مسئولان دبستان پسرانه ای در منطقه پنج، روز ۳۰ فروردین ماه برنامه مداحی تولد حضرت جواد الائمه(ع) را تدارک دیدند. آنگونه که پدر «پویا» دانش آموز کلاس چهارم این دبستان تعریف می کند، مسئولان مدرسه همه دانش آموزان را در حیاط مدرسه به صف می کنند تا این مراسم را برگزار کنند. پویای ۱۰ ساله برای پدرش تعریف می کند که «یکی از همکلاسی هایش از شاگرد دیگری به نزد یکی از مسئولان بخش دفتری دبستان شکایت می برد و آن مسئول هم من را با همکلاسی دیگر اشتباه می گیرد و چنان بر سرم می کوبد که به روی دانش آموز جلوتری در صف پرت می شوم و هر دو با هم با صورت روی سنگ فرش حیاط می افتیم». پدر پویا گفت: ماجرا به همین جا ختم نمی شود، آن مسئول دفتری، پویا را از صف بیرون می برد و او را در حضور ۵۰۰ دانش آموز مدرسه تحقیر می کند. او افزود: هنوز پس از گذشت حدود دو هفته از این واقعه، موضوع درمان فرزندم ادامه دارد و باید تا یک ماه آینده از ناحیه سر و گردن وی آزمایش «م.آ.ای» گرفته شود تا مشخص شود میزان مصدومیت وی تا چه میزان است.

مسعود ثقفی، سخنگوی آموزش و پرورش شهر تهران در پاسخ به ادعای اولیای دانش آموز کلاس چهارم دبستان شهید «تادعلی» در منطقه پنج آموزش و پرورش شهر تهران این ادعا را رد کرده است. او در این رابطه گفته است: به استناد گزارش بازرس آموزش و پرورش، نه تنها تنبیه بدنی دانش آموز توسط معاون مدرسه رخ نداده، بلکه ادعای کتک زدن این دانش آموز توسط معاون مدرسه نیز کذب است.ثقفی توضیح داد: بر اساس گزارش بازرس آموزش و پرورش، ساعت ۱۲ و ۴۰ دقیقه روز ۳۰ فروردین ماه گذشته پدر این دانش آموز، به بهانه تنبیه بدنی فرزندش توسط معاون مدرسه به این مدرسه مراجعه و ضمن فحاشی، در مقابل دانش آموزان و سایر اولیا، او(معاون مدرسه) را هدف ضرب و شتم قرار می دهد.

فکر کرده ای پدرت چه کار است؟

با این حال پدر پوریا صمدی در گفت و گو با روزنامه ابتکار از پس لرزه های این شکایت در روند تحصیل و زندگی پسرش می گوید: هر اعتراضی در مدرسه با حمایت مدیر و معلم و درمنطقه با حمایت بازرسان به مسیرهای دیگر منحرف می شود، معلم در مدرسه و کلاس به بچه ها می‌گوید: " اگر بگویید پویا را زده اند دچار دردسر می شوید " ، بعد هم به انحاء مختلف شروع به اذیت و آزار روحی و روانی یک بچه ۱۰ ساله می کنند، از اخراج از کلاس گرفته تا تحصن معلم در دفتر مدیر بابت حضور او در کلاس. این ماجرا تا آنجا پیش میرود که به بچه در حضور همکلاسی هایش می گویند: فکر کرده ای پدرت چه کار است؟ یک راننده تاکسی که بیشتر نیست" او ادامه می دهد: حتی آنقدر کار بالا میگیرد که معلم به خودش اجازه می دهد در جلسه عمومی اولیا و مربیان، همسر بنده را در مورد داشتن چنین فرزندی مورد شماتت، مذمت و تحقیر بخاطر پیگیری تنبیه بدنی قرار دهد و پیشنهاد استفاده از روانپزشک را هم صادر می کند.

اظهارات پدر پوریا در حالی ادامه پیدا می کند که با گفته های سخنگوی آموزش و پروش متفاوت جلوه می‌کند. ثقفی، سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران در گفت و گوی خود با ایرنا در ادامه شرح واقعه بیان کرده است: در این زمان پلیس ۱۱۰ در جریان موضوع ضرب و شتم معاون مدرسه توسط اولیای دانش آموز قرار گرفته و شکایتی در مرجع قضایی ثبت می شود و اولیای دانش آموز و معاون مدرسه در دادسرا حضور پیدا می کنند. این اظهارات در حالی است که پدر پوریا صمدی آن را رد می کند و می گوید: بعد از شنیدن ماجرا از زبان فرزندم به مدرسه رفتم و کسی که مورد ضرب و شتم قرار گرفت من بودم.

او ادامه می دهد: پس از خواند صحبت های سخنگوی آموزش و پرورش با هزار زحمت شماره او را پیدا کردم و برایش پیام گذاشتم که " جناب ثقفی شما من را ندیده اید. ۵۰ سال سن دارم و حرمت سفیدی موی مرا نگه دارید، بخدا ما هم از همین مردم هستیم، اگر می شود با ما تماس بگیرد و از ما یک دیو نسازید" با این حال تا کنون وقتی برای ملاقات با او بدست نیاورده ایم.

پدر پوریا صمدی می گوید: نمی خواهم زحمات قشر بزرگی از معلمان واقعی که با عشق کار می‌کنند را ندیده بگیرم یا سیاه نمایی کنم. با این حال باید بگویم که براساس آئین نامه انضباطی مدارس مصوب هیات محترم وزیران و تائید مجلس محترم شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان هرگونه تنبیهات بدنی، توهین و تحقیر و حتی گفتن مشق شب اضافی بابت تنبیه اکیدا ممنوع است اما این، مورد تائید قلبی و قطعی برخی عوامل رده های پائین‌تر وزارت آموزش و پرورش نیست و هیچگونه ضمانت و بازوی اجرایی خارج از سطح وزارت آموزش و پرورش برای آن پیش بینی نشده است.

درخواست نمایندگان برای پیگری این ماجرا

سجاد حسینی، وکیل خانواده صمدی در گفت و گو با روزنامه «ابتکار» گفت: در بحث شکایت والدین از معلمان دو مسیر مورد پیگیری قرار می‌گیرد. یکی شکایت اداری از آموزش و پرورش و معلمان است و راه دیگر شکایت کیفری است که در آن موضوع ضرب و شتم مطرح می شود و اگر عدله کافی در این رابطه وجود داشته باشد، کیفرخواست برای معلم ایجاد می شود و بر طبق جرمی که مرتکب شده باشد منجر به صدور حکم در دادگاه های کیفری می شود.

حسینی با بیان اینکه برای اثبات دعوا در مراحل کیفری چند راه از جمله اقرار و شهود وجود دارد، گفت: اقرار معلم به تنبیه دانش آموزش در دادسرا و دیگری بیان شاهدان از جمله شهادت دانش آموزان، معلمان است. دوربین‌های مدار بسته و تاییدیه پزشکی قانونی یکی از راه هایی فرعی برای کمک به اثبات دعوا مورد استفاده قرار می گیرد. یکی از راه های فرعی است که به قاضی کمک می کند تا یک جرم در مراحل کیفری ثابت شود.

او در رابطه با پرونده این دانش آموز بیان کرد: در این ماجرا به دلیل اینکه مدیر مدرسه این دعوا را به سمت صلح و آشتی هدایت می کند و آقای صمدی از طرح دعوا منصرف می شود و به تبع آن به جهت عدم شکایت کیفری، تاییدیه پزشکی قانونی منتفی می شود. راه های دیگری از جمله شهود وجود دارد تا بازپرس شهود را در دادسرا برای شهادت احضار کند و همچنین دوربین مدار مدرسه می تواند به اثبات این دعوا کمک کند.

وکیل خانواده صمدی ادامه داد: در این موضوع نمایندگان مجلس ورود کرده اند و کمیسیون آموزش از وزیر خواسته اند که مستقیم ورود کند تا این موضوع مشخص شود. در بحث کیفری عموما معلمان از همکار خود دفاع می کنند یا در زمان شهادت از شهادت دادن منصرف می شوند و اگر دانش آموز شاهد عینی این ماجرا باشد از ترس تنبیه از این اقدام دوری می کند. با این حال در بحث تخلفات اداری این پرونده خوب پیش می‌رود.

او در ادامه گفت: اگر آقای صمدی نامه پزشکی قانونی را گرفته بود وضعیت به این منوال نبود اما با این حال شاهدان باید در دادگاه قسم بخورند و مشاهدات خود را بیان کنند. در دو مرحله این موضوع را پیگیری می کنیم که یکی مسیر دادسراهاست که در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی است و دیگری در رابطه با تخلفات اداری کارکنان دولت است که در این رابطه ۱۵ نماینده به همراه رئیس کمیسیون آموزش از وزیر خواستند که این موضوع را پیگیری کنند و معاونت اجرایی این شکایت را به واحد شکایات ارجاع داده و در حال پیگیری است. با این حال گرچه جسارت والدین و دانش آموزان سبب شده تا تنبیه بدنی دیگر یک موضوع ترسناک برای دانش آموزان نباشد و بازگویی آن را حقی برای خود تصور کنند اما آنچه در انتها نصیب کودک می شود شاید خاطره ای تلخ تر از کتک های معلم باشد.

چرا تنبیه‌بدنی رُخ می‌دهد؟

یک کارشناس آموزش‌وپرورش گفت: در نظام تعلیم و تربیت به تشویق و تنبیه در کنار هم نیاز داریم اما تنبیه بدنی روشی منسوخ است و چه می‌شود که یک معلم اقدام به تنبیه بدنی می‌کند؟

به گزارش تسنیم، سید بابک هاشمی نکو در پاسخ به این پرسش « دلایل و ریشه‌های وقوع تنبیه بدنی در مدارس کشور چیست» اظهار داشت: میزان خطا در جامعه معلمان که بهترین قشر اجتماع هستند، بسیار پایین است، آمار تخلفات اداری در آموزش و پرورش به نسبت سایر دستگاه‌ها بسیار اندک است چرا که معلمان سختکوش و صالح هستند.

وی افزود: شاید میزان تنبیه بدنی در سطح مدارس یک دهم درصد باشد در حالیکه ۱۰۵ هزار مدرسه در کشور داریم اما خطای پزشکان در زیرمیزی گرفتن تا چه میزان است؟ سایر دستگاه‌ها در سازمان بازرسی و دیوان محاسبات اداری چه میزان پرونده دارند؟ در مقایسه با سایر دستگاه‌ها میزان تخلفات معلمان اندک است و آنها گلایه دارند که رسانه‌ها خطای یک معلم را بزرگ می‌کنند و در صدها سایت اقدام معلم به تنبیه مندرج می‌شود و خطای یک عده معدود به حساب تمام معلمان گذاشته می‌شود.

این کارشناس آموزش و پرورش گفت: چرا کوچکترین پرداخت مطالبات معلمان که چند سال عقب افتاده است در رسانه‌ها پخش می‌شود؟ هم‌اکنون با حقوق‌های ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومانی مدیران دولتی مواجه هستیم.

هاشمی نکو در ادامه با اشاره به اینکه تشویق عبارت است از یک محرک خوشایند برای تقویت یک رفتار مطلوب و تنبیه یک محرک ناخوشایند برای اصلاح یک رفتار نامطلوب درتعلیم و تربیت است، گفت: در تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه در کنار هم نیاز است اما تنبیه بدنی خشن‌ترین و نامطلوب‌ترین روش تغییر رفتار است.

وی تأکید کرد: تنبیه نباید به صورت بدنی باشد چرا که تنبیه بدنی آموزش خشونت و ترویج آن در اجتماع و کلاس درس است و می‌توان روش‌های مؤثر دیگری را برای از بین بردن رفتار نامطلوب به کار برد.

این کارشناس آموزش و پرورش گفت: یکی از روش‌های جایگزین تنبیه بدنی، بی‌توجهی به رفتار دانش‌آموز است و معلم می‌تواند با بی‌توجهی رفتار نامطلوب را از بین ببرد. روش دیگر محروم کردن از تشویق است به عنوان مثال معلم ورزش دانش‌آموز را به دلیل رفتار نامطلوب از زمین بازی محروم کند، جریمه و جبران کردن نیز از دیگر روش‌های جایگزین تنبیه بدنی است.

هاشمی نکو عنوان کرد: تمام معلمانی که در آموزش‌وپرورش استخدام می‌شوند، دوره‌های تربیت معلم را طی نکرده‌اند. معلمان حق التدریس یا قراردادی که برای کارهای دفتری به کار گرفته شده‌اند پس از طی تحصیلات دانشگاهی بدون گذراندن دوره‌های تربیت معلم به کلاس درس وارد شدند، این افراد دوره‌های لازم را برای تربیت معلم طی نکرده‌اند.

وی ادامه داد: اگر معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان جذب شود در طول دوران تحصیل با تعلیم و تربیت اسلامی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی رشد و فنون اولیه معلمی و تعلیم و تربیت آشنا می‌شود. اما گاه ممکن است با یک مصوبه مجلس هزاران نفر به آموزش‌وپرورش وارد شوند که آموزش‌های صحیح را ندیده‌اند و با یک دوره آموزش ضمن خدمت نمی‌توانند معلم شوند.

این کارشناس آموزش و پرورش تأکید کرد: گزینش معلم باید تخصصی‌تر شود و به جز صلاحیت‌های اخلاقی و اعتقادی به صلاحیت‌های عمومی و تخصصی توجه بیشتری شود یعنی در رشته‌ای که قرار است فرد استخدام شود صلاحیت عمومی، میزان آشنایی با روانشناسی تربیتی و صلاحیت‌های تخصصی رشته مورد تدریس مدنظر قرار بگیرد.

تنقیح قوانین در پرتو اصل حاکمیت قانون

اکبر فتح اللهی نوشهر قبل از ورود به بحث پیش رو، ابتدا کلیدواژه های این «مقاله تنقیح» و « اصل حاکمیت قانون» تبیین وتعریف می شود وسپس ارتباط موجود بین تنقیح قوانین واصل حاکمیت قانون توجیحه وضرورت تنقیح قوانین مبتنی براصل جهان شمول حاکمیت قانون توجیه می شود. حال با ذکر این مقدمه به تعریف تنقیح قوانین می پردازیم تنقیح در لغت به معنای بیرون اوردن مغز استخوان، پاک و پاکیزه کردن از زواید است. بنابراین، تنقیح قوانین به معنای پالایش قوانین ومقررات است .

اصل حاکمیت قانونRule of Law یک اصل جهان شمول حقوق عمومی بوده ومختصرا به معنای نفی حکومت شخص وحاکمیت قانون است. اصل حاکمیت قانون دارای ۲ نوع تلقی یکی مفهوم ودیگری برداشت میباشدانچه که ما در این بحث با ان روبه روهستیم مفهوم اولیه وحداقلی حاکمیت قانون است که دارای اوصافی است این اوصاف عبارتند از :شفاف بودن صریح وواضح بودن ، قوانین باید صریح و واضح باشند. «Clarity and Sleafity» این وصف در برابر قوانین مبهم، پیچیده و چند پهلو بکار می رود. چون هدف از حاکمیت قانون، در این نظریه، راهنمایی و تنظیم اعمال و رفتار افراد اجتماع است، قوانین باید طوری تنظیم شوند که قابل فهم و خالی از ابهام و چند پهلویی باشند تا در نتیجه مردم از آن آگاهی یافته و منظور قانون گذار را دریابند تا زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کرده و جهت ببخشند.حال کم کم به ارتباط منطقی وضروری اصل حاکمیت قانون وتنقیح قوانین بعنوان بخش لاینفک وضروری وشکلی اصل حاکمیت قانون پی می بریم حال که ضرورت تنقیح قوانین وتعریف ان توجیه شد گزیده ای از تلاشهای اندیشمندان این خطه در جهت رفع مشکلات مردم بصورت بیان تاریخچه تنقیح ووضعیت ممالک دیگر وان چه درروبه رو با ان مواجه هستیم وضرورت تنقیح در قاب قوانین خدمت خوانندگان محترم بیان میگردد اززمان تصویب اولین قوانین کشور یعنی عصر مشروطه وبرقرای مجالس قریب به یکصد سال میگذرد اینکه تنقیح واصلاح قوانین مبهم بایستی در این سالها صورت میگرفته برکسی پوشیده نیست حجم انباشت قوانین مبهم ومتروک ومتعارض ارام ارام تلاشهایی رادر جهت ساماندهی این امر درسالهای دهه ۱۳۴۰ صورت میگیرد اما با توجه به ایجاد تفکر تنقیح و سپس فکر شکل گیری کمسیونی در مجلس ملی ان زمان به تاسی از ممالک غربی ونهایتا تاسیس سازمان تنقیح وتنظیم مقررات در سال ۱۳۵۰ هرکز در عمل بجهت احساس عدم ضرورت تنقیح این مهم تا سال ۸۹ بصورت جدی صورت نگرفت وپس از تصویب ان نیز تا سال ۹۴ به بیان صاحب نظران جدیت چندانی احساس نمی شد. البته روش تنقیح کمی با تصویب قانون حاکم فعلی تفاوت پیدا کرد وبه لحاظ مرجع انجام تنقیح در کشور ایران به کشورهای پیشرو در این زمینه نزدیک شد. در کشور ما ابتدا امر تنقیح بر عهده قوه اجرایی (نخست وزیری) وسپس ریاست جمهوری بود. اما با تصویب قانون فعلی این مهم بدرستی بر عهده اداره قوانین مجلس قرارگرفت در کشورهای چون فرانسه ، دفتر پارلمانی ارزیابی قوانین در کنار مجلس ملی وسنای فرانسه در کشور امریکا ،کمسیون خاص تخصصی دایمی در کنگره ایالت متحده و نهاد یا کمیسیون حقوقی در انگلستان به این مهم می پردازند .در پایان اشاره میشود ضرورت امر تنقیح باتوجه به وجود دستگاه های شبه تقنینی وحجیم بودن قوانین ایران با توجه به پیشینه قانون گذاری و تعداد بالای قوانین مصوب امری مهم بنظر میرسد وپیشنهادات ذیل در جهت تحقق این امر بشرح ذیل ارایه می شود.

محوریت تنقیح صرفا با اداره تنقیح قوانین مجلس باشند ودستگاهای دیگر از این امر پیروی نمایند .واصل برتمرکز تنقیح در این مجموعه باشد البته با تعامل همه مجموعه ها

فلسفه تنقیح قوانین در مرجع قانون گذاری ودانشکده های حقوق در سطح دوره کارشناسی تبیین و فرهنگ سازی شود

پس از فرهنگ سازی در رابطه با قوانین مبهم ومعارض ومنسوخ بحث وبررسی در محافل حقوقی صورت گرفته وبا چاپ این مباحث مقدمه اصلاح وتنقیح انها فراهم گردد .

چاپ مجموعه قوانین منقح بصورت همه ساله ودر دسترس بودن ان بسیاری از مشکلات حقوقی را در عمل مرتفع خواهد نمود .

چاپ قوانین منقح و اعتبار ان بعنوان قوانین مورد استناد در سرار کشور وکلیه مراجع قضایی اداری وعلمی

البته قابل ذکر اینکه معاونت حقوقی ریاست جمهوری در این امر بسیار موفق تر بوده است فلذا شاید بتوان این نهاد را موفق ترین نهاد تنقیح کننده قوانین کشور بحساب آورد .

منبع

مالمیری احمد، حاکمیت قانون مفاهیم .مبانی و برداشت ها مرکز پژوهش های مجلس ۱۳۸۵

زارعی محمد حسین، فصلنامه مفید شماره ۲۶

زارعی محمد حسین ،حکمرانی خوب ،مجله تحقیقات حقوقی شهید بهشتی ،شماره ۴۹

خبر

آیا انتشار اخبار تنبیه بدنی اهداف غیر آموزشی دارد؟

انتشار اخبار متعدد تنبیه بدنی دانش‌آموزان در اردیبهشت ماه که روز معلم در آن قرار دارد علاوه بر موضوع تنبیه بدنی فرضیه ای را پیش رو قرار می دهد که آیا انتشار پی درپی اخبار مربوط به تنبیه دانش آموزان می تواند اهداف غیرآموزشی در پی داشته باشد؟

به گزارش الف، سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در حالی روزهای پایانی خود را طی می کند که کارنامه خبری از تجدیدی آموزش و پرورش در زمینه «تنبیه بدنی» خبر می دهد. این موضوع پس از آن برجسته تر شد که علاوه بر طرح پرونده آزار و اذیت دختر دانش آموزی به نام «ندا» در روستاهای زنجان خبر وضعیت سلامت دانش آموزی که در بجنورد به سبب تنبیه بدنی راهی بیمارستان شده به جمع خبرهای مربوط به تنبیه بدنی دانش آموزان افزوده شد.

این اخبار آن هم در اردیبهشت ماه که روز معلم در آن قرار دارد علاوه بر موضوع تنبیه بدنی فرضیه ای را پیش رو قرار می دهد که چرا همه اخبار مربوط به تنبیه بدنی دانش آموزان در این روزها منتشر شده است؟ به عبارت دیگر آیا انتشار پی درپی اخبار مربوط به تنبیه دانش آموزان می تواند اهداف غیرآموزشی در پی داشته باشد؟

چنین فرضی وقتی قوت می گیرد که می بینیم نامه معلمان کوهدشتی نیز در فضای مجازی به همراه امضا، شماره پرسنلی و تلفن های همراهشان منتشر می شود و ضمن تاکید بر شوخ طبع بودن معلم که تنبیه به او نسبت داده شده آثار روی بدن دانش آموز را نیز حساسیت پوستی توصیف کرده اند. اما برای آنکه بدانیم کدام خبرها مد نظر است و در این مدت تنبیه بدنی در کدام مدارس به خبر تبدیل شده است.

موضوع تنبیه بدنی در حالی همواره با واکنش آموزش و پرورش مواجه شده که در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۳ دانش آموز به دلیل مختلفی که ناشی از فشار و استرس های مربوط به مدرسه بوده خودکشی کرده و جان باخته اند. در چنین شرایطی به نظر می رسد دو روی سکه پیش رو چه از نظر بررسی تنبیه بدنی و چه از منظر برجسته کردن آن با اهداف غیرآموزشی را باید مد نظر داشت.

چه خبرهایی منتشر شد؟

در اردیبهشت ماه امسال وقتی خبرهایی از تنبیه دانش آموزان مطرح شد بار دیگر فضای شبکه های مجازی و شبکه های اجتماعی از بازنشر مطالبی پر شد که بررسی آنها نشان می داد این مطالب شایعه اند. برای نمونه عکس های دانش آموز کوهدشتی که مورد تنبیه قرار گرفته بود در کنار مطلبی منتشر شد که از تنبیه بدنی دانش آموزان مدرسه شهید نادر در لالی خوزستان خبر می داد.

با این حال بررسی خبرهای منتشر شده در فاصله اول مهر۱۳۹۴ تا ۲۳اردیبهشت ماه امسال نشان می دهد ۸ ماجرای تنبیه بدنی منجر به آسیب بدنی در رسانه ها منتشر شده است.

معلمان کوهدشتی چه نوشتند؟

نامه ای که توسط معلمان کوهدشتی و همکاران عشایر آنها خطاب به مدیرکل آموزش و پرورش استان لرستان امضا شده است ۲ موضوع را در خود برجسته دارد. نامه یاد شده توسط ۲۲ نفر امضا شده است. یکی بر این نکته تاکید کرده اند که معلمی که تنبیه دانش آموز به او نسبت داده شده طی ۲۴ سال گذشته به شوخ طبعی و مهربانی شهرت دارد و حتی شاگردانش را با صدای بلند هم صدا نزده است. دیگر نکته ای که در این نامه برجسته شده موضوع آثار روی پوست که به آثار تنبیه بدنی توصیف شده است.

در این نامه آمده است: «تصاویر همان دانش آموز را در فضای مجازی دیدیم و موضوع برایمان تامل برانگیز شد زیرا عکس نشان از یک حساسیت فصلی بر بدن دانش آموز دارد.»

رفعتی یکی از امضا کنندگان نامه یاد شده به خبرآنلاین گفت: آقای مسعود رضایی که حدود ۲۰ سال سابقه دارد را مدتهاست که می شناسم. چنین ادعایی در مورد او صحت ندارد. آنچه مطرح است اینکه خانواده دانش آموز گویا با آقای رضایی اختلاف ملکی و مالی داشته و باید در بررسی ادعای مطرح شده چنین مسئله ای را مد نظر داشت.

خسروی دیگر امضا کننده نامه یاد شده نیز به خبرآنلاین توضیح داد: می توان به سادگی دانش آموز را نزد پزشک برد و موضوع آثار تنبیه بدنی یا حساسیت پوستی را بررسی کرد. آنچه من از همکارم که ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه کار دارد می دانم این است که تنبیه از او برنمی آید. موضوع اختلاف ملکی و مالی مطرح شده در مورد خانواده این دانش آموز و معلم به سبب هم طایفه ای بودن بسیار محتمل است که به نظر می رسد مسئولان قضایی باید ضمن بررسی چنین ادعایی از سوی خانواده دانش آموز چنین انگیزه ای را هم مد نظر داشته باشند.

از عذرخواهی وزیر تا تکذیبیه ها

وزارت آموزش و پرورش در همین ۸ماه اخیر موضع متفاوتی در قبال اخبار منتشر شده درباره تنبیه بدنی دانش آموزان داشته است. برای نمونه علی اصغرفانی، وزیرآموزش پرورش ۲۴ آذرماه سال قبل وقتی خبری مبنی بر تنبیه چند دانش آموز در الیگودرز تا آنجا پیش رفت که فیلم آن نیز توسط صدا و سیما پخش شد گفت: من شب گذشته از طریق صدا و سیما این فیلم را مشاهده کردم و من هم متاثر شدم.عذرخواهی می‌کنم که هنوز چنین اتفاقاتی را در بعضی از مدارس شاهد هستیم و امیدوارم مسیر حرکت و روالی که پیش می‌رود رو به کاهش باشد و به صفر برسد.

اما امسال وقتی ماجرای تنبیه دانش آموز مدرسه ای در منطقه ۵ تهران مطرح شد مسعود ثقفی، سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران موضوع تنبیه بدنی یک دانش آموز مدرسه ای در منطقه پنج پایتخت را تکذیب کرد و گفت: هیچگونه تنبیه بدنی در این مدرسه رخ نداده است.

در موارد دیگر نیز سعی بر حل و مصالحه ماجرا بین والدین دانش آموزان و معلم بوده است که نمونه آن را در شهر انار استان کرمان می بینیم. شاید اگر آموزش و پرورش صرفا به تکذیب نمی پرداخت و با پذیرش ماجرای تنبیه بدنی فرصت مطالعه و کالبدشکافی آن را می داد بهتر می شد درباره این وضعیت تصمیم گیری کرد.

توقف معلمان، حرکت بچه ها

یکی از چالش هایی که همواره بین دانش آموزان و معلمان منجر به اصطکاک شده فراتر از موضوع شیطنت دانش آموزان یا پرخاشگری آنها بحث بالارفتن اطلاعات و تجربه های دانش آموزان به سبب داشتن تکنولوژی و ابزارهای هوشمند جدید است که محتوای آموزشی کلاس ها آنها را خسته و کلافه می کند.

به عبارت دیگر موضوعاتی که الان دانش آموزان به واسطه تبلت، اینترنت و دسترسی به اطلاعات از محتوای آموزشی کتاب ها و آنچه معلمان می خواهند به آنها بگویند جلوتر رفته اند و نسبت به آنچه در کلاس ها مطرح می شود بی توجهی می کنند. معلمان نیز با دنیای کنونی دانش آموزان فاصله پیدا کرده اند.

این در حالی است که دکتر فریبا عدلی دانش آموخته مدیریت آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا معتقد است بچه ها با ابزارهای تکنولوژیکی که به آن ها داده شده است، قوی تر شده اند اما مدرسه به شدت از یادگرفتن و از رشد بازمانده است، من معتقدم نظام آموزشی از یادگیری بازمانده است، یادگیری و مدیریت آن طور که باید باشد نیست، بیش از ۲۰ مهارت برای مدیر درمدرسه و مقاطع مختلف تعریف شده است، مدیران ما کجا تعلیم دیده اند، مدرک مدیران ما متفاوت از عمل آن ها است، یا باید بگوئیم تحصیلات اهمیتی ندارد یا اگر فرض تحصیلات و تخصص را قبول کردیم باید آن را رعایت کنیم، نظام آموزشی ما نظام یادگیرنده نیست، از تغییرات بازمانده است.